



احکامی از جنس تبعید یک متهم آثار اجتماعی مخربی دارد

شهرهای ایران عزیز را تحقیر نکنید

«یک روزنامه‌نگار به دلیل شکایت مجدد حمید رسایی، نماینده پیشین مجلس از او حکم تبعید به تربت جام را دریافت کرده است. مرضیه محمودی، سردبیر سایت تجارت نیوز خبر داد: به دلیل شکایت مجدد حمید رسایی از من، به ۲۴ میلیون جریمه نقدی و یک سال تبعید به تربت جام محکوم شده‌ام! محمودی در توییتش نوشت: این دومین بار است که سر این پرونده محکوم می‌شوم. بار قبل شش میلیون جریمه نقدی پرداخت کردم.» این چند جمله، محتوای خبری بود که دیروز توسط سردبیر سایت تجارت نیوز منتشر شد و نوع مجازاتی که برای او در جریان یک دعوی حقوقی با یکی از نمایندگان سابق مجلس اعلام شد، حواشی زیادی را ایجاد کرد. راستش را بخواهید چند وقتی است در برخی احکام با موارد عجیب و غریبی به عنوان مجازات رویه‌رو هستیم. مواردی که فارغ از درست یا غلط بودن خود حکم (چون اطلاعی از چند و چون پرونده... نداریم) بسیار تعجب و تامل برانگیزند.

چند مورد از این موارد را با هم مرور کنیم، تا در ادامه به چند مساله که احتمالا در ذهن قاضی مغفول مانده‌اند و قوه عاقله دیگری هم آن را گوشزد نمی‌کند برسیم.

تبعید احمد زیدآبادی به گناباد!

اردیبهشت سال ۹۴، احمد زیدآبادی پس از آزادی از زندان رجایی شهر کرج، برای تبعید و انتقال به شهر گناباد در اختیار مأموران نیروی انتظامی قرار گرفت و با هزینه شخصی خود به گناباد منتقل شد. همسر احمد زیدآبادی قبلا گفته بود به آنها اطلاع داده شده که این روزنامه‌نگار زندانی پس از پایان دوران حبس شش ساله‌اش، برای گذراندن دوران تبعید خود مستقیم از زندان به گناباد فرستاده خواهد شد. زیدآبادی بعد از این تبعید و در سال ۹۹ در یادداشتی از خاطرات تبعید به گناباد این‌طور نوشت: «یکی از کارکنان دادستانی که بروکراتی تمام‌عیار و بی‌آزار و آرام بود، در جریان ثبت و ضبط اوراق مربوط به تبعید درصدد همدلی بر آمد،

اما به دلیل روحیه بی‌نهایت محافظه‌کارش تنها جمله‌ای که گفت، این بود: «مگر گناباد تبعیدگاه است که افراد را به این شهر تبعید می‌کنند؟» از همین یک جمله پی بردم که مردم گناباد از اینکه شهرشان به عنوان تبعیدگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد، دلخورند و می‌خواهند این شهر از فهرست تبعیدگاه‌های کشور حذف شود. اینجا هم فارغ از پرونده زیدآبادی و اتهامات و جرمی که مرتکب شده بود، با روایتی که از این تبعید و احوال مردم گناباد نوشته است، کار داریم که در همان ادامه‌ای که اشاره کردیم، سراغ خواهیم رفت.

تحمل زندان در سمنان!

لیلا بلوکات، بازیگر بعد از اقدام به کشف حجاب به تحمل حبس در سمنان محکوم شد. روزنامه هم‌میهن در تشریح جزئیات حکم بلوکات نوشت: «دوسال ممنوعیت از اعتقادات مردم است. قانون در کشور ما پلنفرم‌های داخلی و خارجی فعالیت‌های

نمایشی و بازیگری و تبلیغ‌گری در فضای حقیقی و مجازی؛ دوسال ممنوعیت خروج از کشور؛ پنج‌سال ممنوعیت از فعالیت در فضای مجازی به‌صورت مستقیم یا با واسطه؛ مطالعه و خلاصه‌نویسی یک کتاب ظرف یک‌ماه و ۱۰ ماه حبس تعزیری در یکی از زندان‌های استان سمنان که ۶ ماه آن به مدت ۵ سال تعلیق شده است.» چرا سمنان؟

دفاع از حکم مرده‌شوری!

موسی غضنفرآبادی، نماینده مردم بم و رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که آیا میت‌شویی یا کلاس‌های روانشناسی احکام درستی است؟ گفته است: «برای کسی که مقدسات را به استهزا می‌گیرد، هیچ اشکالی ندارد. چون جرم، جرم صادر شده برای مجرمان در زمینه‌های مختلف است خواندیم و حالا سوال اصلی اینجاست که این احکام در وهله اول آیا سختی یا جرم صورت گرفته دارند؟

نگذار طبق قانون اقداماتی پیش‌بینی می‌شود. چند روز پیش و بعد از انتشار تصویر یکی از احکام صادر شده از سوی دادگاه برای کشف حجاب یک خانم که به پرداخت ۳۱ میلیون ریال به‌جای دو ماه حبس تعزیری و یک ماه کار در غسالخانه (شستن میت) محکوم شده بود در همین روزنامه نوشتیم: «اولین پرسشی که مطرح می‌شود این است که چنین حکمی دقیقا چه تناسبی با فریضه الهی و دینی حجاب دارد و تا چه میزان حتی ممکن است چه از لحاظ جنبه قانونی و چه دینی فرد را ملزم به رعایت حجاب کند؟»

فتمام!

خب احکام و موارد بالا را که البته بخشی از احکام و موارد عجیب و غریب صادر شده برای مجرمان در زمینه‌های مختلف است خواندیم و حالا سوال اصلی اینجاست که این احکام در وهله اول آیا سختی یا جرم صورت گرفته دارند؟

فارغ از این، گمان نمی‌کنید این احکام توهین به بخشی از مردم جامعه، چه اهالی شهرهایی که تبعیدگاه این مجرمان شده‌اند و چه اصنافی است که عده‌ای سال‌ها در آن مشغول به کارند است؟ مگر قرار بر این نبود که بر مبنای عدالت همه یکی باشیم، هر کسی در هر جای این مملکت در هر نقطه‌ای با هر میزان از برخورداری فرقی با مرکز نشین‌ها نداشته باشد؟ چه شد که حالا تربت‌جامی‌ها، گنابادی‌ها و... ساکنین تبعیدگاه‌ها و بقیه در بهشت زندگی می‌کنند؟ بهتر نیست به‌جای القای این مساله به مردم گناباد و تربت‌جام و... که شما در نقطه‌ای نامطلوب زندگی می‌کنید (که به‌واقع هم این‌طور نیست) و اینجا برای تبعید زندانیان و خلافکارها مناسب است، مسائل و کمبودها و نابرخورداری‌های آنها را کم کنیم و محمودی‌ها، بلوکات‌ها و... را در همان جایی که هستند با احکام عاقلانه‌تری تنبیه و مجازات کنیم؟

”
بهرتر نیست به‌جای القای این مساله به مردم گناباد و تربت‌جام و... که شما در نقطه‌ای نامطلوب زندگی می‌کنید (که به‌واقع هم این‌طور نیست) و اینجا برای تبعید زندانیان و خلافکارها مناسب است، مسائل و کمبودها و نابرخورداری‌های آنها را کم کنیم و محمودی‌ها، بلوکات‌ها و... را در همان جایی که هستند با احکام عاقلانه‌تری تنبیه و مجازات کنیم؟

مصلحت توسعه سند رسمی

شاهرخ صالحی کرهرودی

حقوق‌دان و مدرس دانشگاه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر با مسئولان قوه قضائیه، تصویب نهایی طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول را با ایراد شورای نگهبان و اصرار مجلس شورای اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده «مصلحت قطعی کشور و نظام» دانستند و حالا در شرایطی که حدود یک‌ماه از دستور رهبری برای این موضوع می‌گذرد، به‌ظاهر قرار است تا چند روز طرح در مجمع بررسی و تکلیف نهایی آن مشخص است. اما چرا این طرح تا این اندازه توجه رهبر انقلاب را به خود جلب کرده و باعث شده آن را مصلحت قطعی کشور و نظام بدانند؟

اگرچه ثبت اختیاری املاک از سال ۱۳۰۲ شمسی در کشور آغاز و از سال ۱۳۱۰ هم اجباری شد، با این حال با گذشت بیش از

۱۰۰ سال همچنان بخشی از املاک کشور به دلایل مختلف ثبت نشده‌اند و معاملات این دسته از املاک با چند خط نوشته عادی که در عرف قولنامه یا میایعه‌نامه گفته می‌شود، ردوبدل می‌شوند. عدم سختگیری برای ثبت این قبیل املاک باعث شده مردم برای دور زدن قانون، عدم پرداخت مالیات، عدم پرداخت حق‌الثبت و دلایل دیگر، بخش دیگری از املاک ثبت‌شده را با همین اسناد عادی مورد نقل و انتقال قرار دهند و نتیجه آن شده است که بخش زیادی از املاک مسکونی و املاک کشاورزی فاقد سند رسمی هستند. از این رهگذر عده‌ای سوءاستفاده می‌کنند و با فروش مال به چند نفر با اقدام به کلاهبرداری می‌کنند یا از طریق خرد کردن اراضی کشاورزی، به تولید ملی ضربه می‌زنند یا با فروش اراضی ملی و طبیعی به زمین‌خواری و کوه‌خواری می‌پردازند و چون

در هیچ کدام از این معاملات، جایی ردیابی آنها ثبت نمی‌شود، مالیات هم نمی‌پردازند و خلاصه از همه چیز خودشان را معاف کردند. مردم بیچاره هم سرگردان دادگاه و مراجع قضایی هستند تا بتوانند حق خود را بستانند؛ به‌نحوی که آمارهای رسمی نشان می‌دهد به‌صورت میانگین حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد پرونده‌های وارده به دستگاه قضایی، ناشی از دعاوی مرتبط با همین اسناد عادی است. پرونده‌هایی که اگر معاملات آنها به ثبت رسمی می‌رسید، هرگز منجر به پرونده قضایی نمی‌شدند و ببار دعاوی از دادگاه‌ها به‌نحو معناداری کاسته می‌شود. این بخشی از مصلحتی است که رهبر معظم انقلاب به‌خوبی درک و فرمان بی‌اعتباری اسناد عادی را صادر کرده است.

حالا با فرض چنین مشکلاتی، طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول روی

میز اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد. اگرچه ورود رهبری و جدی شدن تصویب این طرح در مجمع، رنگ خطر برای سودجویان را به صدا درآورده است ولی آنچه از گوشه‌وکنار به گوش می‌رسد، فشار برخی چهره‌های دولتی و غیردولتی برای تغییر در مفاد طرح مذکور است. عده‌ای به اسم سامانه‌های دولتی قصد دارند تا مفهوم ثبت رسمی معاملات را تغییر داده و صرف ثبت در سامانه‌های دولتی را مقصود و کافی برای نتیجه قلمداد کنند و برای همین حداکثر تلاش خود را به کار گرفته‌اند با تغییر مفاد طرح مصوب مجلس در مجمع تشخیص مصلحت نظام به مقصود خود برسند. اعضای محترم مجمع باید دقت داشته باشند که صرف وجود سامانه‌های اسکوهای ثبت معاملات جوابگوی مشکلات کشور در این حوزه نخواهد بود و ثبت رسمی معاملات نزه مرجع صلاحیت‌دار آن که سازمان ثبت

و دفاتر اسناد رسمی هستند، تنها راه برای پایان دادن به دشواری‌های امروز است. شفافیت در معاملات، امکان رهگیری و اخذ مالیات معاملات، شناسایی خانه‌های خالی، جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی، تثبیت مالکیت دولت در اراضی ملی، طبیعی و حفاظت‌شده و جلوگیری از تجاوز به اراضی ملی و حریم و بسستر رودخانه‌ها و راه‌ها، جذب سرمایه‌گذاری و تامین امنیت سرمایه‌گذاری تنها در پرتو الزامی شدن ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول در دفاتر اسناد رسمی و اجرای کامل قانون جامع حد نگار (کاداستر) امکان‌پذیر است و هیچ راه دیگری جز این، متصور نخواهد بود. باید در ظرف مدت پیش‌بینی‌شده در طرح مذکور که حداکثر چهار، پنج سال است، تمامی مالکانی که به‌موجب سند عادی، مالکیت مال غیرمنقولی را در اختیار دارند، مالکیت

و مدارک خود را به سازمان ثبت اسناد و املاک اعلام کرده و سازمان ثبت نیز مکلف است با جانمایی، نقشه‌برداری و بررسی حدود مالکیت افراد نسبت به صدور سند رسمی برای ملک آنها اقدام کند. پس از این مدت، دیگر هیچ نهاد، ارگان یا دستگاهی نباید به اسناد عادی مردم اعتبار دهد و تنها کسانی که ملک غیرمنقول به‌موجب سند رسمی به نام آنها ثبت شده است، می‌توانند از حقوق مالکانه خود بهره‌مند شوند. دورنمای طرح آنچنان دستاوردهایی برای کشور دارد که توجه اعضای مجمع به آن، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات کشور باشد. البته به شرطی که اعضای مجمع، تحت‌تأثیر فشارهای بیرونی قرار نگرفته و اجازه ورود نهاد‌های بی صلاحیت را به این حوزه ندهند تا شاید دیگر شاهد مشکلات امروز در حوزه معاملات اموال غیرمنقول نباشیم.

واکنش سازمان حفاظت محیط‌زیست به گزارش «فره‌یختگان»

جناب آقای محمدامین ایمانجانی مدیر مسئول محترم روزنامه فرهیختگان با سلام و احترام

پیرو خبر منتشر شده در آن روزنامه وزین تحت عنوان سازمان تکذیب فجایع محیط زیست، خواهشمند است دستور انتشار جوابیه دفتر ارزیابی زیست محیطی این سازمان را جهت تنویر افکار عمومی با قید فوریت صادر فرمایید.

مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی

سازمان حفاظت محیط زیست: هیچ مجوز زیست محیطی در هیچ زمانی برای پتروشیمی میانکاله صادر نشده است

مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه هیچ مجوز زیست محیطی در هیچ زمانی برای پتروشیمی میانکاله صادر نشده است، گفت: اگر کسی ادعایی مبنی بر صدور مجوز زیست محیطی برای این پروژه دارد، آن را منتشر کند. سعید کریمی در گفت و گو با پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان حفاظت محیط زیست، به تشریح آخرین وضعیت پروژه پتروشیمی میانکاله پرداخت و اظهار کرد: از ابتدای سال ۱۴۰۰

گزارش ارزیابی‌های زیست محیطی پروژه پتروشیمی میانکاله به سازمان حفاظت محیط زیست تحویل داده شد و این گزارش در دفتر ارزیابی‌های زیست محیطی سازمان مورد بررسی قرار گرفت و از آن پس، در چندین نوبت اصلاحاتی به مجری پروژه اعلام شد. وی با اشاره به ۳ بار برگزاری کمیته ارزیابی زیست محیطی صرف نظر از کمیته‌های فنی برای این پروژه، گفت: در نهایت اتفاقی که افتاد این بود که سازمان حفاظت محیط زیست موافقتی با اجرای این پروژه نداشت و آنچه در خصوص صدور چنین مجوزی ادعا می‌شود، کذب است.

مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه مجوز باید امضاء، هولوگرام و مهر برجسته داشته باشد، تصریح کرد: اصلا چنین مجوزی که این ویژگی‌ها را داشته باشد، وجود ندارد و اگر کسی ادعایی مبنی بر صدور مجوز زیست محیطی برای این پروژه دارد، آن را منتشر کند. کریمی افزود: پس از ورود نهاد‌های ذیربط به این موضوع، عدم دریافت مجوز زیست محیطی پروژه پتروشیمی میانکاله محرز و این پروژه از دستور کار خارج شد.

وی تصریح کرد: چند روز قبل، گزارش‌هایی دریافت کردیم مبنی بر اینکه عملیات اجرایی این پروژه درحال آغاز است و مجری اقدام به فتن‌کشی در اطراف محوطه پروژه کرده است. حتی برخی گزارش‌ها حاکی از شروع عملیات بتن‌ریزی بود.

مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست، ادامه داد: ما با مدیرکل حفاظت محیط زیست استان مازندران مکاتبه و اعلام کردیم این پروژه مجوز ارزیابی زیست محیطی ندارد و شما اقدامات حقوقی لازم را برای توقف آن انجام دهید.

وی افزود: پس از مکاتبه اداره کل استان مازندران با مجری پروژه مبنی بر لزوم توقف کار و عدم ترتیب اثر به آن، مکاتبه با نهاد‌های ذیربط برای پیگیری حقوقی از سوی اداره شهرستان و سپس اداره کل استان انجام شد.

کریمی با اشاره به پیگیری سازمان حفاظت محیط زیست از طریق نهاد‌های ذیربط و نیز ریاست جمهوری برای ممانعت از اجرای پروژه، گفت: در سال ۱۳۹۹ هیات دولت مصوبه‌ای داشت مبنی بر احداث پارک پروپیلن که شاید این مصوبه ملاک عمل سرمایه‌گذار برای

راه‌اندازی این پروژه قرار گرفته است. لذا ما مکاتبه‌ای هم با ریاست جمهوری انجام دادیم که مواد ۴ و ۵ این مصوبه ملغی شود.

مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست، خاطرنشان کرد: آنچه که مبنای مخالفت سازمان حفاظت محیط زیست با اجرای پروژه پتروشیمی در منطقه میانکاله است، حساس بودن این منطقه از نظر اکوسیستمی و زیست محیطی است چراکه آنجا هم پناهگاه حیات وحش وجود دارد و هم تالاب. وی تصریح کرد: بند ششم سیاست‌های ابلاغی مقام‌معمز رهبری در حوزه محیط زیست تاکید می‌کند که بهره‌برداری از سرزمین می‌بایست بر اساس توان اکولوژیک آن منطقه باشد. توان اکولوژیک منطقه میانکاله برای توسعه کشاورزی و گردشگری و این دست از کاربری‌ها مناسب است نه احداث صنایع آن هم صنعت سنگینی مثل پتروشیمی. کریمی یادآور شد: برنامه آمایش سرزمین استان هم چنین پروژه‌ای را برای آن منطقه مطرح نکرده است. بنابراین این توسعه با سند آمایش سرزمین استان در تضاد است. ضمن اینکه این پروژه

”
با طرح مدیریت یکپارچه سواحل نیز در تضاد قرار دارد.

وی تاکید کرد: مجموعه این عوامل سبب شده که اجرای پروژه پتروشیمی میانکاله توجیه زیست محیطی نداشته باشد.

مدیرکل دفتر ارزیابی زیست محیطی سازمان حفاظت محیط زیست، درباره زمین واگذار شده برای احداث پروژه نیز گفت: سازمان امور اراضی زمینی را برای احداث پروژه در اختیار سرمایه‌گذار قرار داد اما پس از آنکه مجوز زیست محیطی برای این پروژه صادر نشد آنها هم به دنبال این بودند که زمین را بازپس گیرند. کریمی با اشاره به این ادعا که با احداث پتروشیمی، ۳۰۰ شغل در منطقه ایجاد می‌شود، تصریح کرد: اجرای پروژه‌های دیگر از قبیل گردشگری می‌تواند اشتغالزایی به‌مراتب بیشتری داشته باشد. ضمن اینکه احداث پروژه پتروشیمی با توجه به اینکه محصول آن قرار است با خط لوله به دامغان منتقل شود، توجیه اقتصادی هم برای منطقه ندارد.

وی در پایان اظهار کرد: احداث این پروژه نیاز به آب شیرین کن دارد و چنانچه تلخابه آب شیرین کن وارد دریای خزر به عنوان یک اکوسیستم بسته شود، می‌تواند به این اکوسیستم آسیب جدی بزند.

